

بررسی صفات علمی و شاخص های اسلامی آموزش دهنده یا مربی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۲)

مژگان توکلی

محقق و پژوهشگر

چکیده

مدارس و دانشگاه ها به عنوان اصلی ترین نهاد توسعه دهنده منابع انسانی تخصصی در مسیر دستیابی به توسعه پایدار مبتنی بر ملاحظات جهانی شدن، نقش حساسی را برعهده دارند. امروزه توسعه، نیازمند یک نظام آموزش پویا و هماهنگ است. آموزش و پرورش باید ضمن توجه به بحران افزایش کمی و تنگناهای مالی، به حفظ، بهبود و ارتقای کیفیت شاخص های اسلامی نیز پردازد. یکی از ابعاد پرورش اخلاق است و برای اخلاقمند بار آوردن دانش آموزان که سرمایه های انسانی نسل آینده هستند، وجود معلمان اخلاق مدار لازم و ضروری است. معلم مهم ترین فرد در نظام آموزشی است چرا که مسئول اجرایی است و حتی می تواند برنامه آموزشی بد را نیز با خلاقیت و مهارت خود به صورت مناسبی به اجرا در آورد و نتیجه بهتری را بگیرد، نقش معلم چنان مهم است که اگر اشتباه انتخاب شود نتیجه برنامه آموزشی عالی را نیز خراب می کند. معلمان را از جنبه های مختلف می سنجند مثل علم و آگاهی، مهارت، اخلاق و.... ملاک اصلی بررسی ما در این مقاله شاخص های علمی و اسلامی است.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، آموزگار، مربی، صفات اسلامی، اخلاق

بخش اول: کلیات و مفاهیم اولیه

در فرایند تعلیم و تربیت، یکی از مهمترین ارکان تربیت، معلم است. او است که با روح و جان متعلم ارتباط دارد و زمینه را برای اثرگذاری سایر ارکان (مربی و محتوای تربیت) فراهم می سازد. معلم با توجه به نفوذ معنوی اش می تواند قلب، اندیشه و رفتار شاگرد را تسخیر نماید و به عنوان یک الگوی محبوب مطاع پذیرفته شود. از این رو معلمین ارزشمندترین کار را برعهده دارند و بر این اساس ارزشمندترین افراد نیز می باشند. رسول گرامی اسلام می فرماید نزدیک ترین مردم به درجه نبوت اهل علم و جهادند که مردم را به آنچه رسولان الهی آورده اند، راهنمایی می کنند. بنابراین می توان گفت معلمی شغل مقدسی است شغل خداوند و انبیای الهی است به سبب همانندی شغلی شایسته است که معلمان خود را به صفات اخلاقی و ویژگی معلمان واقعی بشر بیارایند. نقش معلم در رشد علمی و فرهنگی جامعه به ویژه مراکز آموزشی روشن است. ابن سینا اظهار می دارد که معلم تنها دانش و حقایق را به شاگردان انتقال نمی دهد، بلکه آنها را با ارزش ها، شاخص ها و اعتقادات خود و نیز با آداب و فضیلت هایی که به او عطا شده است روبرو می کند. اگر معلم به سهم خود، دانش را با دقت و با احساس به دانش آموزان انتقال دهد، آنها هم رفتار و فضایل معلم را به سادگی و بی اراده از راه یادگیری تقلیدی، کپی می کنند.

در این مقاله منظور از آموزش دهنده، فقط معلم رسمی نمی باشد بلکه منظور هر معلمی است که به طور رسمی و غیر رسمی به امرآموزش می پردازد و از آن جایی که این تحقیق بیشتر باجنبه تربیتی تاکید دارد؛ لذا در بسیاری موارد لفظ مربی به جای آموزش دهنده به کار رفته است. همچنین منظور از آموزش گیرنده، صرفا دانش آموزانی که در مراکز رسمی آموزشی مانند مدرسه مشغول به تحصیل می باشند نیست؛ بلکه منظور تمام کسانی است که به نوعی به یادگیری امری مشغولند و از آن جایی که این تحقیق بیشتر به جنبه علمی و اسلامی و تربیتی تاکید دارد؛ لذا در بسیاری موارد لفظ مربی به جای آموزش گیرنده به کار رفته است.

ضمناً منظور از آموزش ارزش ها در این تحقیق، یاد دادن ارزش ها از طرف آموزش دهنده به آموزش گیرنده با استفاده از روش های خاص در جهت ایجاد تحول و دگرگونی به منظور درونی کردن آن ارزش ها می باشد. نظر به اهمیت ارزش های دینی و اخلاقی و نظر به این که این ارزش ها و شاخص ها به عنوان خط مشی و پایه و اساس سایر ارزش ها محسوب می شوند، نویسنده در این مقاله تاکید اصلی را بر این شاخص های اسلامی قرار داده است. البته منظور از ارزش های دینی آداب، اصول و قواعدی است که در دین مطرح شده و مورد تاکید فراوان قرار دارند و عمل به آن ها موجب تعالی انسان به سوی سعادت واقعی و قرب الهی می گردد که در این تحقیق تاکید محقق

بر ارزش های اسلامی می باشد.

ارزش ها در حقیقت عبارتند از عمل گزینش یا انتخاب که آدمی در اوضاع مختلف زندگی به آن تکیه می کند و جهت گیری های اساسی و میل های عمیق و ریشه دار او و اشیایی را که نزد او از احترام و تقدس بهره مند هستند را در بر می گیرد (سیدی، ۱۳۷۸: ۶۲). بروس کوئن می گوید: ارزش ها باورهای ریشه داری هستند که گروه اجتماعی، هنگام پرسش درباره خوبی ها و بدی ها و کمال مطلوب به آن رجوع می کند (ترابی، ۱۳۵۳: ۷۳).

جایگاه رفیع «ارزش ها» در زندگی بشر، با همه ی تفاوت ها و تضادهایی که در نمودها و تظاهرات فرهنگ ها دیده می شود، نکته قابل توجهی است که هم در بقاء و دوام جوامع و هم در رشد و ارتقاء آن ها نقش اساسی ایفاء می کند. به قول «کارل مانهایم»: «وقتی اوتوپیا از میان برود، تاریخ دیگرفرایندی نخواهد بود که به فرجام نمائی هدایت گردد. مبنای داوری که بر طبق آن حقایق را ارزیابی می کنیم نابود می شود و ما می مانیم با یک رشته رویدادهایی که از لحاظ اهمیت و مایه ی ذاتی، همه با هم برابر و در یک پایه اند. مفهوم زمان تاریخی، که به دوران های از لحاظ کیفیت متفاوت، دلالت می کرد از بین می رود و تاریخ هر چه بیشتر چنان فضای نا مشخص جلوه می کند. منظور از اوتوپیا، همان مدینه ی فاضله ای است که همه ی فضایل و ارزش های انسانی در آن محقق شده است و به اندازه ی ظرفیت وجودی و همت و معرفت و تلاش افراد و اعضاء جامعه، ارزش های مطلوب در آن عینیت یافته است. قطعاً اگر چنین ترسیمی از آینده ی جامعه وجود نداشته باشد، تلاش و تدبیری هم برای رشد و تعالی اجتماعی نخواهد بود و این، همانا رکود و یأس و انفعال انسان ها را در پی خواهد داشت. این نتیجه ی حذف «ارزش ها» از زندگی انسان است از این دیدگاه غفلت از «ارزش ها»، انسان را به رکورد و توقف در «وضع موجود» محصور و محدود می کند و هر گونه تلاش و تدبیر و مبارزه برای تحقق «وضع مطلوب» و ایجاد دگرگونی مثبت در شرایط فعلی را منفی و غیر موجه می سازد» (ذوعلم، ۱۳۸۰: ۳۱).

از آنجائی که مبحث ارزش ها بسیار پیچیده و گسترده است؛ لذا دقت و موشکافی عمیق در این مبحث ما را از انحراف به سمت ضد ارزش ها باز می دارد. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه خطبه ی ۳۵۱ می فرمایند: ای مردم در راستای هدایت از کمبود رهروانش وحشت زده نشوید، که مردم زمان ما پیرامون خوانی گرد آمده اند که دوران سیریش کوتاه و گرسنگی اش طولانیست. در تعریف ارزش ها گفته می شود: باورهای ریشه داری که افراد گروه، هنگام روبرو شدن با پرسش درباره خوبی ها و بدی ها و امور مطلوب به آن مراجعه می کنند. از آنجائیکه ارزش ها از لحاظ

ریشه و منشاء پیدایش متفاوتند، این باورها گاه در اعتباریات صرف که مبتنی بر ذوق و سلیق افراد است ریشه دارند که در این صورت آن را اجتماعی می دانیم و ارزش های اجتماعی نام می نهیم و گاه این ارزش ها باورهای هستند که در واقعیات نفس الامری ریشه دارند که تابع سلیق و امیال فرد نیستند که آن ها را ارزش های دینی می نامیم (مریجی، ۱۳۷۸: ۲۹). ارزش به عنوان تلاشی در نظر گرفته می شود که سیستم نیاز را هم از لحاظ روانی و هم از لحاظ فیزیولوژیکی قانع می کند و از آنجائیکه انسان ها در نیازهای روانی و فیزیولوژیکی با هم متفاوتند؛ لذا سیستم های ارزشی و شیوه و سبک های متفاوتی وجود دارد. ارزش ها به خودکارآمدی و خودسنجی انسان کمک می کنند، ارزش ها به زندگی اهمیت می دهند و به مرگ معنی می بخشند و بدون ارزش ها زندگی مجموعه ای از حوادث بی معنی و مرگ، یک تجربه نابود کننده است (شاکلا^۱، ۲۰۰۴: ۳۷).

بخش دوم: بررسی و شناخت پیشینه تحقیقاتی موضوع

از دیدگاه اسلام می توان گفت که با توجه به فلسفه ی بعثت پیامبران و نزول کتاب آسمانی به عنوان راهنمایان بشریت می توان قطع به یقین چنین بیان کرد که ارزش ها را هم می توان آموزش داد و هم باید آموزش داده شوند و نکته مهم در این جا چگونگی آموزش ارزش هاست. با توجه به وضوح و اهمیت مبحث ارزش ها بایستی روش ها و راهکارهایی جهت آموزش صحیح آن ها ارائه شود. هر فردی نظام ارزشی خاصی دارد و بعضی از ارزش ها را به ارزش های دیگر ترجیح می دهد. همه ما دارای ارزش های زیربنایی هستیم. منشاء این ارزش ها ممکن است در بعضی از افراد عبارت از وحی، شرافت و اخلاق باشد و در بعضی دیگر رفاقت. ممکن است کسی به خاطر رفاقت دروغ بگوید، گر چه اخلاق هم در نظرش مهم باشد. علت آن این است که در سلسله مراتب ارزش های این فرد رفاقت در رده ای بالاتر از اخلاقیات قرار دارد. ممکن است موقعیت های شغلی برای شما اهمیت داشته باشد و در عین حال به روابط خانوادگی هم اهمیت بدهید. ارزش ها جملگی در یک رده نیستند و سطوح ارزشی با هم فرق می کنند. سطوح ارزش ها بستگی به نظر اشخاص ارائه دهنده و مکاتب، با هم متفاوتند (علی احمدی، ۱۳۸۳: ۱۱).

غزالی و سایر علماء اخلاق، فضایل اخلاقی را با مایه هایی از مضامین و مفاهیم دینی اشباع نموده و به آن، مجموعه ای از ارزش های اقتباس شده ی از روح تعالیم اسلامی را افزودند؛ زیرا در حقیقت اخلاق از دین ریشه می گیرد و دین و اخلاق دو حقیقتی هستند که در دیانت اسلامی و در سایر

^۱. Shukla

ادیان دیگر از هم جدایی ندارند. اسلام منطق خود را در مسائل اخلاقی گسترش داده و از بنیادهای اخلاقی برای رفتار انسانی و انگیزه‌های آن بحث کرده است. نخستین کسی که به معنای علمی، از اخلاق سخن به میان آورده سقراط است و همو صریحاً گفته است که اخلاق به دو اصل متکی است:

۱. قوانین مکتوب (یعنی قوانین حکومت و دولت)

۲. قوانین غیر مکتوب (یعنی قوانین الهی)

هابس نیز از کسانی است که برای دین و مسائل اخلاقی جای وسیعی گشوده است و معتقد است که دین یک عامل خارجی است که منبع تشریع اخلاقی می‌باشد و ما عمل اخلاقی را از آن جهت نیک می‌دانیم که خداوند آن را می‌خواهد و به این جهت، عمل اخلاقی با اراده خداوند هماهنگ و متحد است. اخلاق بر دو قسم است: نظری و عملی. اسلام به اخلاق نظری جدای از اخلاق عملی تصریحی ندارد. تعالیم اخلاقی اسلام قواعد اعمال نیک را ارائه داده است و مرجع مردم در اعمال نیک، قرآن کریم و سپس احادیث و سنن می‌باشد. روی هم رفته قرآن کریم مشحون از قواعد عملی است که جامعه‌ی انسانی در حیات فردی و اجتماعی بدان‌ها نیازمند است (حجتی «الف» ۱۳۶۶: ۲۳۱-۲۳۲).

داوودی (۱۳۸۵: ۲۵) به نقل از مطهری (۱۳۶۲) رایج‌ترین دسته‌بندی تعالیم اسلام را به سه بخش تقسیم می‌کند: اعتقادات، اخلاقیات و احکام. «اصول عقاید یعنی چیزهایی که وظیفه‌ی هر فرد کوشش برای تحصیل عقیده درباره‌ی آن‌هاست. اخلاقیات یعنی فضیلت‌هایی که وظیفه‌ی هر فرد مسلمان است که خویشان را به آن فضیلت‌ها و خوبی‌ها بیاراید و از اضداد آن‌ها را دور نگه دارد و احکام یعنی دستورهایی که مربوط به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان، اعم از فعالیت‌های معاشی، معادی، دنیوی، اخروی، فردی، و اجتماعی است.

طباطبایی (۱۳۸۷: ۳۳) چنین بیان می‌دارد که دین به ما می‌گوید که در زندگی صفات پسندیده برای خود اختیار کنیم و خوی خوش داشته باشیم و خود را با اوصاف خوب و نیک بیارائیم، وظیفه‌ی شناس، خیر خواه، بشر دوست، مهربان، خوش خلق، خوش رو و دادگستر باشیم و از حق خود دفاع کنیم و از حدود و حقوق خود تجاوز نکنیم و به مال و عرض و جان مردم تعدی روا نداریم و در طلب دانش و ادب از هیچ گونه تلاش و فداکاری و از خودگذشتگی کوتاهی ننمائیم و بالاخره، عدل و اعتدال (میانه روی) را در تمام امور زندگی پیشه خود سازیم.

داوودی (۱۳۸۹: ۱۱۰) نخستین مبنای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را در هم

تنیدگی بین اخلاق و دین می‌داند. اصلی که از این مبنا به دست می‌آید اصل در هم تنیدگی تربیت دین و تربیت اخلاقی است.

ذوعلم (۱۳۸۰: ۴۰) چنین بیان می‌دارد که از دیدگاه اسلام، ارزش‌ها هرگز اموری انتزاعی و ذهنی و اعتباری محض که صرف فرض و خیال باشد، به عنوان ایده‌آل‌های دست نیافتنی و غیر قابل تحقق نیست؛ بلکه خداوند متعال که حقیقی‌ترین حقایق عالم وجود است و همه‌ی حقایق، در مقایسه با او حقیقتی ندارند، منشاء و واجد همه‌ی ارزش‌های متعالی و کمالات حقیقی است. بدین ترتیب در عرصه‌ی اخلاق و تربیت ارزش‌های مطلوب، بر گرفته از ارزش‌های الهی است و در یک کلام «تخلُّق به اخلاق الهی» توصیه می‌گردد. این محور اخلاقی و تربیتی در راستای همان هدف خلقت انسان که «تربیت خلیفه الله» است، می‌باشد.

حجتی (۱۳۶۶) چنین بیان می‌دارد که رابطه و پیوند دین و اخلاق تا آن اندازه عمیق و در عین حال وسیع و گسترده است که می‌توان گفت دین و اخلاق یکی است و دین وسیله‌ی ایجاد خلق پسندیده در رفتار نیک اخلاقی است. طبق این معنی، اخلاق از سر چشمه دین مستفیض می‌گردد چنان که پیامبر اکرم (ص) فرموده: بعثت لا تمم مکارم الاخلاق. آموزش ارزش‌های دینی مقدمه و شرط لازم برای رهایی انسان از آتش جاودانی و رسیدن به سعادت ابدی است و آموزش ارزش‌های اخلاقی نیز زمینه ساز اصلی و پیش شرط لازم برای آن است.

اهتمام در شناخت و استفاده از روش‌های صحیح در آموزش ارزش‌ها به ویژه ارزش‌های دینی و اخلاقی که بر اساس مبانی ذکر شده از رابطه‌ی تنگاتنگی هم برخوردارند، از اصول اساسی تبیین و در نتیجه تحکیم ارزش‌ها می‌باشد. تحول اخلاقی، دینی و به طور کلی ارزشی در نوجوانان و جوانان بیش از هر دوره‌ی سنی دیگری است. رشد سریع شناختی در آن‌ها باعث می‌شود که بهتر بتوانند درباره‌ی مسائل اخلاقی، دینی و ارزشی قضاوت کنند و در برخورد با این مسائل واکنش دقیق‌تر و پیچیده‌تری نشان دهند. زمانی که فرزندان ما با مجموعه‌ای وسیع از تغییرات درونی و بیرونی و تعارض‌های ناشی از ارزش‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و دینی روبرو می‌شوند باید جایگاه مطمئنی برای رشد و دوام خود دست و پا کنند. وظیفه انتخاب ارزش‌های مناسب برای زندگی با مشکل پیچیدگی این امور همراه است؛ یعنی از یک سو نوجوان و جوان به ظرفیت‌های تازه‌ی مهم ارزش‌های اخلاقی و دینی دست می‌یابد و از سوی دیگر از تجربه کافی برای برخورد صحیح با مسائل پیچیده اخلاقی، اجتماعی و ارزشی و دینی که با آن‌ها روبرو می‌شوند برخوردار نیست؛ لذا اینجاست که ضرورت آموزش ارزش‌ها آن هم از طریق ارائه روش‌های تدریس

مناسب نمایان می‌شود. بسیاری از روانشناسان معتقدند که رشد کودک با رشد اخلاقی او همراه است. پیازه معتقد بود که دو مرحله از قضاوت و رشد اخلاقی در بچه‌ها وجود دارد. او داستان‌هایی را به کودکان ارائه می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست قضاوت کنند که چه کسی مقصر است. بچه‌های زیر هشت سال به نتیجه عمل افراد بیش از نیت آن‌ها توجه می‌کردند و قضاوت‌های اخلاقی آن‌ها بر اساس نتیجه عمل بود نه بر اساس نیت، در حالی که بچه‌های بزرگتر بر اساس نیت عمل قضاوت می‌کردند نه بر اساس نتیجه عمل. او این مراحل را به ترتیب اخلاق عینی و اخلاق ذهنی نامید که حاکی از رشد اخلاقی در بچه‌ها بود.

بخش سوم: نگاهی به برخی از صفات علمی و شاخص‌های اسلامی مربی

تأثیر استاد و نوع ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهان‌بینی و ایدئولوژی او در شاگردان بر کسی پوشیده نیست. تجربه نشان داده که شاگردان هر اندازه هم که مقاومت کنند نمی‌توانند از تأثیرگذاری آشکار و نهان استادان در روند زندگی خود مصون شوند به همین دلیل است که انتخاب استاد و معلمی شایسته و وارسته همواره مورد توجه و تأکید فراوان اولیاء دین است (شریفی، ۱۳۸۷: ۴۸).

بند اول: توجه به ظرفیت‌ها و استعدادها

حیدری تفرشی (۱۳۸۷: ۴۹) معتقد است که اختلاف استعدادها، ظرفیت‌ها، روحیه‌ها، خواست‌ها و سلیقه‌ها، معلول اختلاف طبایع و تأثیرات گوناگون محیطی، جغرافیایی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین هر حرکت تربیتی باید با توجه به این اختلاف استعدادها و نیازها به صورت تدریجی و مرحله به مرحله براساس توانایی‌ها صورت گیرد. خداوند در سوره مبارکه انعام آیه ۱۵۲ می‌فرماید «لَا تَكْلَفْ نَفْسًا وَلَا وَسْعَهَا» یعنی اینکه هیچ کس را به قدر قدرت و توانایی او تکلیف نکرده‌ایم. دادن تکالیفی خارج از وسع، توان و استعداد تربیتی موجب ناکامی و سرخوردگی شدید او گشته و در نتیجه این ناکامی، چون مانعی بزرگ سد راه وی شده و انگیزه‌ی خود را از دست داده و برنامه‌های تربیتی، حاصلی جز تباهی در پی نخواهد داشت. بنابراین یک مربی کار آزموده در صورتی در عمل خود موفق می‌شود که قبلاً فرد مورد تربیت را به خوبی بشناسد و از استعدادهای جسمانی، غرایز، خواسته‌ها و تمایلات نفسانی او کاملاً آگاه باشد تا بتواند شرایط مناسب را برای پرورش و شکوفایی استعداد ذاتی او فراهم ساخته و در رفع کمبودها و تأمین نیازهای او کوشش کند.

بند دوم: ایجاد تسهیل در آموزش

سخت‌گیری و شدت عمل زیاد چه از سوی والدین و چه از سوی مربی باعث ایجاد آثار منفی و روانی در تربیتی خواهد شد. بهشتی، فقیهی و ابوجعفری (۱۳۸۷: ۱۲۵) به نقل از ابن خلدون آثار

سوء سخت گیری مربی بر مرتبی بویژه کودکان را به شرح زیر برشمرده اند:

۱- نشاط روانی متعلم از بین می رود و روح او را کسل می سازد.
۲- وی را به دروغگویی و تظاهر بر خلاف واقع وادار می نماید تا از تهدید و تنبیه معلم در امان باشد.

۳- فریب و نفاق را به متعلم یاد می دهد و او را به این صفات و افعال معتاد می سازد.

۴- عزت نفس، حمیت و روحیه دفاع را از متعلم می گیرد و او را از احساس شخصیت تهی می کند.
۵- باعث می شود اعتماد به نفس خویش را از دست بدهد و برای دفاع و ایجاد روابط اجتماعی به دیگران متکی شود.

۶- سبب می شود روح و روان او از اکتساب فضایل و اخلاق نیکو باز ماند و بدین وسیله به اهداف عالی تعلیم و تربیت نرسد و بلکه در رذایل و انحرافات سقوط نماید.
از نظر ابن خلدون، نتایج تربیتی سخت گیری به متعلم اختصاص ندارد و در مورد کارمند و کارگر و هر کس دیگر که به نحوی تحت تعلیم و تربیت یا تدبیر دیگری، واقع می شود نیز چنین است. اگر اقدامات تربیتی، اموری آسان و میسر باشند موجب ایجاد عزت نفس در مرتبی می گردد و امر یادگیری را سهل الوصول تر می نماید.

اکبری (۱۳۸۸: ۹۸ و ۹۷) معتقد است که یکی از راه های جذب جوانان به دین آسان گرفتن آن است. خداوند متعال اساس تکلیف را براساس سهولت و قابلیت نهاده است. چنانکه در سوره مبارکه بقره آیه ۱۸۵ می خوانیم: خداوند آسانی را برای شما می خواهد و سختی را برایتان نمی خواهد. از این رو آیین پیامبر (ص) آیین «سهله ی سمحه» اطلاق شده است و در تکالیف دشوار نیز بنابر سهولت گذاشته می شود.

بند سوم: پرهیز از شتاب زدگی

رحمانی یزدی (۱۳۸۱: ۱۴۷ و ۱۴۶) معتقد است که هدف آموزش و پرورش صرفاً انتقال میراث فرهنگی و مفاهیم علمی و اخلاقی نیست؛ بلکه منظور اصلی، درونی شدن آموخته های فکری، اخلاقی و عاطفی است. هدف این است که مفاهیم آموزشی در جغرافیای رفتاری کودکان و نوجوانان آشکار گردد و به صورت فرهنگ رفتاری خودنمایی کند. در غیر اینصورت دیری نمی پاید که از میان می رود و زمینه ساز رشد فکری و اخلاقی نمی گردد. شتاب در تربیت، فرصت درونی سازی و نهادینه شدن را از کودک و نوجوان می گیرد و او را فردی فریب کار و فرصت طلب تربیت می کند و این خود زمینه ساز نابودی شخصیت آنان می گردد از این رو خداوند در سوره مبارکه اسراء آیه ۱۱ بندگان خود را از عجله بر حذر داشته است.

مولوی جلال‌الدین می‌گوید: پیام‌های تربیتی اگر با تأمل القاء گردد جذب روح دانش‌آموز خواهد شد؛ زیرا شاگرد چون آرد است پیش خمیر و کلام چون آب در آرد، آنقدر باید آب بریزد که صلاح آن باشد. عدم باروری علم، عوامل مختلفی دارد که شتاب در تربیت یکی از آنهاست چون شتابزدگی، فرصت فکر کردن و جذب کردن داده‌های آموزشی را از وی می‌گیرد.

رفیعی (۱۳۸۸) بیان می‌دارد که تدریج، سنت و قانون الهی است. تکوین هستی، آفرینش انسان، تشریع شرایع، همگی براساس اصل تدریج بوده است. ارسال رسولان و ابلاغ آنان نیز با رشد تدریجی فکر جمعی بشر صورت گرفته است. چنانکه قرآن نیز در طی بیست و سه سال نازل و به تدریج بر مردم ابلاغ شد؛ لذا تحقق امر تربیت با اصل تدریج عجین است و در ماهیت و طبیعت آن نهفته می‌باشد.

بهشتی، فقیهی، ابوجعفری (۱۳۸۷: ۵۳) معتقدند که شخصیت و شاکله‌ی آدمی به تدریج ساخته می‌شود و گفتار و رفتار رفته رفته در او تأثیر می‌گذارد و به تدریج در عمق جان او نفوذ می‌کند و سرسخت می‌شود و شاکله‌ی او را پدید می‌آورد، از این رو توجه به اصل تدریج و تداوم ضروری است. سعدی بر این باور است که تدریج و تداوم از اصول مسلم تربیت نفس است و پیوسته باید از آینه‌ی نفس گردافشانی و غبارزدایی شود در غیر اینصورت توقع صفای نفس بیهوده است.

بند چهارم: انعطاف‌پذیری و نرمش

گاهی با توجه به موقعیتی که پیش می‌آید لازم است انعطاف‌پذیر باشیم در غیر اینصورت قدرت دافعه ما از قدرت جاذبه بیشتر خواهد شد. از طریق انعطاف‌پذیری و نرمش است که فرصت می‌یابیم نظرات و عقاید خود را مرتباً اصلاح کنیم در هنگام طوفان درختان سبز می‌شکنند؛ اما شاخه‌های نرم خم می‌شوند و سالم می‌مانند (قطب، ۱۳۸۹: ۹۴).

در مبحث آموزش ارزش‌ها متریان در هر مرحله‌ای از خردسالی، نوجوانی و جوانی که باشند، نیازمند نرمش و انعطاف‌پذیری مربی هستند. در سنین پایین، به جهت خطاهای احتمالی که از خردسالان سر می‌زند، نیاز است که مربی برای جلب نظر متریان و پرهیز از دلزدگی آنان نسبت به آن‌ها انعطاف خاصی داشته باشد. در سنین بالا نیز از این جهت که متریان دارای پیش‌زمینه‌های اکتسابی از ارزش‌ها می‌باشند، در هنگام یادگیری و در هنگام ارائه مباحث از سوی مربی، ممکن است تضادی میان آموخته‌های خود با آنچه مربی می‌گوید بیابند، در نتیجه میان آن‌ها چالش ایجاد شده و نسبت به مربی جبهه‌گیری می‌کنند که در این صورت یک مربی ماهر بایستی با استفاده از خصیصه نرمش و انعطاف‌پذیری واکنش شدیدی انجام ندهد و به حل بحران بپردازد و خطاهای احتمالی متریان را مرتفع سازد. اگر بار انعطاف‌پذیری مربی ضعیف باشد جریان آموزش دچار

شکندگی و از هم گسیختگی شده و این امر به دلزدگی و بی رغبتی متریان منجر خواهد شد و بر مربی ماهر لازم است که در این زمینه اعتدال را رعایت نماید و دامنه‌ی انعطاف پذیری وی به سمت افراط و تفریط سوق نیابد؛ زیرا تفریط در آن منجر به دلزدگی و بی رغبتی و افراط در آن منجر به بی پروایی متریان در بیان هر مطلبی و انجام هر رفتاری می گردد.

بند پنجم: صلاحیت و شایستگی علمی

تدریس و تعلیم از مناصبی است که احراز آن به شایستگی و لیاقت و تخصص بستگی دارد. معلم در ایجاد ارتباط با شاگرد در صورتی موفق خواهد بود که آگاهی از موضوع درسی و قدرت انتقال مفاهیم را داشته باشد. بنابراین وارد شدن در موضوعی بدون تخصص، و انتقال طوطی وار مطالب بدون درک آن، نه تنها کمکی به شاگرد نمی کند؛ بلکه علاقه و انگیزه او را نسبت به آن رشته‌ی علمی از بین می برد (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷: ۱۷۲). معلم و مربی شایسته، کسی است که خود را به اسباب معلمی تجهیز نماید و صلاحیت و شایستگی در تمام مظاهر او از جمله: سیما، بیان و طرز رفتار وی پدیدار باشد. از جمله مهم ترین لوازم مورد نیاز جهت یک تدریس موفق، احاطه‌ی علمی کامل مربی یا معلم به موضوع مورد نظر می باشد.

در این رابطه شعبانی (۱۳۸۴: ۱۲۳ - ۱۲۲) معتقد است که معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد، ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد. شخصیت متعادل همراه با تسلط علمی معلم، او را از نظر شاگردانش با ارزش و با اعتبار می سازد. تسلط بر محتوی و موضوع درس، از مهم ترین ویژگی های معلم است. با وجود این که دامنه‌ی علم حتی در یک رشته خاص، بسیار وسیع و گسترده شده است و کمتر کسی می تواند به همه‌ی آن ها دست یابد، لازم است که معلم حداقل بر مطالبی که تدریس می کند مسلط باشد. او برای چنین منظوری باید مطالعه مستمر و دائم داشته باشد اگر معلمی در مسائل علمی ضعیف باشد و نتواند به پرسش های شاگردان پاسخ دهد مسلماً در کار خود شکست خواهد خورد.

بند ششم: مغتنم شمردن فرصت ها در آموزش

مصباح یزدی (۱۳۸۰) در باب استفاده از فرصت ها، به نقل قسمتی از وصیت حضرت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به حضرت امام حسن (ع) می پردازد که می فرمایند: «و رأیتی ازداد و هنا بادرته بوصیتی الیک لخصال» وقتی حال خود را بررسی می کنم، می بینم که روز به روز ضعیف تر می شوم و بر ضعف و سستی و ناتوانی جسمانی من افزوده می شود؛ لذا به بیان این وصیت مبادرت نمودم که مبدا قبل از این که مطالب را برای تو بیان کنم، اجل من فرا برسد و این مطالب ناگفته بماند. «مربی شایسته باید از هر لحظه، از هر سؤال و از هر بحثی جهت کمک به مربی و

آموزش صحیح ارزش ها استفاده نموده و از فوت وقت جلوگیری نماید. حضرت علی(ع) در این سخن گهربار خود ما را از وجود چند مانع در مسیر انجام کار خیر آگاه کرده و لزوم شکار لحظه ها را به ما گوشزد می کنند این موانع اساسی عبارتند از:

-فرا رسیدن اجل و به پایان رسیدن حیات

-از دست دادن سلامت و قوت فکر و رأی

-از بین رفتن زمینه مناسب

با توجه به سخن گرانبهای حضرت علی(ع) و با توجه به این حقیقت که لحظه ها، قابل بازگشت نمی باشند و جبران مافات بسیار دشوار و حتی گاهی ناممکن است؛ لذا یک مربی آگاه با تیزبینی هر چه تمام، لحظه های مناسب را گلچین نموده و از تک تک آن ها بیشترین استفاده ی لازم را جهت اصلاح و هدایت تربی برده و هرگاه که زمینه ی کار خیر و راه صوابی ایجاد شد، آن را مغتنم شمرده و حداکثر بهره را نصیب تربی خویش می سازد.

بند هفتم: شجاعت اخلاقی

حضرت علی(ع) در حکمت ۸۵ نهج البلاغه می فرمایند: کسی که از گفتن «نمی دانم» روی گردان است، به هلاکت و نابودی می رسد. عمل به ارزش ها به ویژه ارزش های دینی و اخلاقی جزء ارکان اساسی حیات طیبه است؛ لذا مربی که این وظیفه خطیر را به عهده دارد بایستی همیشه مراقب باشد تا به موضوع کاملاً احاطه داشته باشد و با شایستگی علمی مطالب را عرضه نماید و هیچگاه معارف غلط را به جای معارف صحیح به ذهن تربی منتقل نکند. آموزش دهنده بایستی به حدی به خصیصه شجاعت اخلاقی مجهز باشد که در صورت عدم آگاهی و احاطه به معلومات لازم در یک زمینه ی خاص به عجز و ناتوانی خود اعتراف نموده و بگوید از آن اطلاعی ندارم یا صراحتاً بگوید: «نمی دانم» حجتی (۱۳۵۹:۲۷۹) معتقد است که یکی از نشانه های دانش انسان این است که: درباره ی مسائلی که از آن آگاهی ندارند، بگویند: «نمی دانم». از زراره بن اعین روایت شده است که گفت: از امام باقر(ع) پرسیدم: حق خداوند بر بندگانش چیست فرمود: «آن چه میدانند بگویند و درباره ی چیزهایی که نمی دانند، سکوت و توقف نمایند.» امام صادق(ع) فرمودند: «خداوند متعال بندگان خویش را به دو آیه از کتاب آسمانی و دو نشانه، ویرگی بخشیده است.

۱. درباره ی مطالبی که آگاهی و اطلاع درباره ی آن ها ندارند، سخنی نگویند.

۲. و نیز مطالبی را که فاقد آگاهی صحیح درباره ی آن ها هستند مردود نشانند.

خداوند متعال در قرآن کریم سوره ی اعراف، آیه ۱۶۸ می فرماید:

«الم یؤخذ علیهم میثاق الکتاب ان لایقولوا علی الله الا الحق»

«آیا از آن ها در کتاب آسمانی پیمان نگرفتند که درباره ی خدا جز، حق سخنی نگویند؟» شریفی (۱۳۸۷: ۵۳) حکایتی را در این زمینه نقل می کند: گویند روزی شخصی بر فراز منبر مشغول سخنرانی بود یکی از مستمعان پرسشی را طرح کرد. گویند در پاسخ گفت: «جواب این مسئله را نمی دانم. سؤال کننده، ناراحت شد و گفت: «تو که نمی دانی چرا بر بالای منبر رفته ای؟» گویند پاسخی حکیمانه داد و گفت: «من به اندازه ای می دانم که بتوانم چند پله منبر را بالا روم، اما اگر بنا بود به اندازه ی مجهولاتم بالا روم، در آن صورت باید تا آسمان ها بالا می رفتم.

بند هشتم: آراستن ظاهر

مربی در برقرار کردن ارتباط تربیتی باید به آراستگی ظاهر بپردازد تا از عوامل ظاهری نفرت و گریز نیز تهی باشد. آراستگی لزوماً اشراف منشی نیست؛ بلکه با سادگی نیز می توان آراسته بود. پیامبر(ص) در مقام مربی بر حفظ آراستگی ظاهر، اصراری آشکارا داشته است. از همان آغاز که فرمان بعثت به او ابلاغ شد، دستور پاکیزگی نیز به وی داده شد: «یا ایها المدثر قم فاندرو ربک فکبر و ثیابک فطهر» ای به جامه در پیچیده، بر خیز و به انداز مردم همت گمار و خدایت را به بزرگی یاد کن و جامه ات را از هر عیب و آلائش پاکیزه دار (باقری، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

آراستگی ظاهر مربی از چند جهت حائز اهمیت است. آراستگی ظاهر موجب شادابی و طراوت مربی و متربی گشته و از سویی دیگر این نکته را به متربی نشان می دهد که آراستگی ظاهر نه تنها با اصول و مبانی دینی منافاتی ندارد بلکه جزء تأکیدات اساسی دین است. آراستگی ظاهر علاوه بر موارد یاد شده، نشانگر احترام و ادب مربی نسبت به متربی است. و در بحث الگودهی به متربی نیز آموخته می شود که او نیز بایستی با ظاهری آراسته اما ساده و در نهایت متانت وارد محیط اجتماع گردد.

بند نهم: تهذیب عملی

مربی آموزش ارزش ها به عنوان یک الگوی عملی همواره مورد توجه دقیق و عمیق متربی قرار می گیرد.

حسینی (۱۳۸۸: ۷۵) معتقد است که امروزه تنها ذکر حقایق و گفتن مطالب نیک کافی نیست. آنچه مهم تر از گفتن و نصیحت کردن است نشان دادن و عمل کردن به آن است. باید آنچه را که می خواهیم به زبان آوریم در رفتار خود به نمایش بگذاریم، این نمایش نه از روی ریا و تصنع و تکلف، بلکه براساس ایمان و اعتقاد قلبی و با نیت الهی و خلوص درونی باید انجام گیرد. آنگاه خود به خود اثرگذار خواهد بود و تأثیرش در تمامی ارکان و ابعاد شخصیت مخاطب جاری می گردد. خداوند در سوره احزاب آیه ۲۱ می فرماید «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة» و

پیامبر اکرم (ص) به عنوان الگو و اسوه حسنه معرفی شده است. به طور کلی، آنچه در برابر دیدگان انسان قرار می گیرد به مراتب اثربخش تر و آموزنده تر از حقایقی است که به گوش آن ها می رسد؛ لذا آموزش عملی نافع تر از آموزش گفتاری است. مربی باید تلاش کند تا به عنوان یک الگوی عملی، نمونه ی کامل و مجموعه ی منسجمی از ارزش های تجسم یافته موجود در نهاد یک انسان واقعی باشد.

بند دهم: تکریم شخصیت مربی

خداوند در سوره ی مبارکه اسراء آیه ۷۰ می فرماید: «و لقد کَرَّمنا بنی آدم» «به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم». انسان دارای کرامت و حرمت است و این کرامت و حرمت اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد. زیرا به فرموده ی حضرت علی (ع) در عهدنامه ی مالک اشتر - انسان ها، یا برادر دینی یکدیگر یا برادر خلقی اند؛ یعنی از یک پدر و مادر آفریده شده اند و در آفرینش یکسان اند. بنابراین همان طور که قومیت، جنسیت و نژاد در این کرامت دخالتی ندارد، سن کم یا زیاد نیز دخالت ندارد و بدون در نظر گرفتن ملاک های ثانوی، کودک و بزرگسال با هم مساوی و از کرامت برخوردارند، از این رو باید از احترام یکسان، بدون در نظر گرفتن دیگر ملاک ها نیز برخوردار باشند (حسینی زاده ۱۳۸۹: ۱۰۲). برداشت ناصحیحی که امروزه در میان برخی افراد وجود دارد این است که احترام و تکریم را ویژه بزرگسالان می دانند و با این تعبیر که بچه ها چیزی نمی فهمند تا به آن ها احترام گذاریم به راحتی از کنار این امر مهم تربیتی و اخلاقی می گذرند. این رویه کاملاً با سیره حضرت رسول اکرم (ص) منافات دارد. تکریم اطفال و نونهالان علاوه بر ارزش اخلاقی، از تأثیر فوق العاده تربیتی برخوردار است که نباید از آن غفلت نمود (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). مربی با تکریم و احترام به شخصیت کودک گامی بلند در جهت ایجاد اعتماد و همدلی میان خود و مربی برمی دارد، و این اعتماد و همدلی از عوامل تسهیل کننده ی آموزش می باشد، از سوی دیگر احترام به شخصیت مربی همچون یک عمل دوسویه منجر به ایجاد «بازخورد» احترام به شخصیت مربی از سوی مربی می گردد و مربی با این عمل هم شخصیت مربی را گرامی داشته و هم جایگاه شخصیتی خویش را تثبیت نموده است و مربی را تشویق به احترام گذاردن به مربی و استاد خویش می نماید.

بند یازدهم: تواضع و فروتنی در برابر مربی

بر مربی واجب است تا به عنوان یک الگو و اسوه در برابر متریان خود متواضع و فروتن باشد. خداوند در سوره مبارکه شعراء آیه ۲۱۵ می فرماید: «واخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» ای پیامبر پر و بال را برای پیروان با ایمان خود فرو نه و نسبت به آنان از فروتنی دریغ مدار. از این

آیه چنین برمی آید که فروتنی و تواضع مربی به ویژه در جهت ارشاد و هدایت اخلاقی، نتیجه‌ی بهتر و تأثیر عمیق‌تری را روی مربی بر جای می‌گذارد.

حجتی (۱۳۶۵: ۱۰۷) معتقد است که فروتنی و تواضع معلم به شاگرد قوت قلب می‌بخشد و شاگرد از رهگذر آن می‌تواند خواسته‌های مشروع و پرسش‌های خویش را با حالتی طبیعی با معلم در میان بگذارد. شهید ثانی یادآوری می‌کند که برای شکوفا شدن استعداد شاگرد، ضروری است که رفتار معلم، محیط رعب و وحشتی برای شاگردان به وجود نیارد تا آنان توان عرضه کردن و اظهار استعداد خود را از دست ندهند. رسول خدا(ص) فرمودند: خداوند متعال به من وحی نمود (که به شما اعلام کنم که) تواضع و فروتنی را پیشه خود سازید.

بند دوازدهم: جلب اعتماد و مقبولیت در مربی

آدمی در عرصه‌ی اجتماع، تمایل به پذیرش نصایح و گفتار کسانی دارد که به نوعی با آن‌ها احساس قربت و نزدیکی خاصی نموده و بی‌هیچ شکی نسبت به دوستی و خیرخواهی آن‌ها اعتماد و اطمینان خاطر داشته باشد. لذا مربی بایستی تلاش بی‌شائبه‌ای را در جهت تحکیم روابط و جلب اعتماد مربی انجام دهد و عملاً به وی ثابت کند که تمامی فعالیت‌ها و تلاش‌های وی، با هدف رضای خداوند و در جهت صلاح و عاقبت‌اندیشی برای وی می‌باشد. تنها در این صورت است که مربی با کمال آرامش و اطمینان، تعلیم خود را به مربی خویش واگذار نموده و به رهنمودها و تعالیم او با کمال اطمینان و اعتماد تکیه می‌کند. حضرت مولی‌الموحدین علی(ع) در فراز اول نامه‌ی ۳۱ نهج‌البلاغه خطاب به فرزند بزرگوارشان حضرت امام حسن مجتبی(ع) چنین وصیت می‌فرماید: «تو را دیدم که پاره‌ی تن من، بلکه همه‌ی جان منی، آن گونه که اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را کار خودم شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم، تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد، حال من زنده باشم یا نباشم.»

در فراز چهارم همین وصیت‌نامه می‌فرمایند: از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم و ناشناخته‌های آنان را دور کردم، پس آن گونه که پدری مهربان نیکی‌ها را برای فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تو را با خوبی‌ها تربیت کنم؛ زیرا در آغاز زندگی قرار داری، تازه به روزگار روی آورده‌ای، و نیتی سالم و روحی باصفا داری. در بسیاری از فرازهای این وصیت‌نامه امام(ع) سعی نموده‌اند تا با ابراز محبت و خیرخواهی خالصانه، مطالب را بر فرزند خویش عرضه دارند. مربی لایق بایستی از طریق ابراز محبت و دلسوزی خیرخواهانه، اعتماد مربی خویش را

جلب نماید. جلب اعتماد مربی، باعث ایجاد مقبولیت مربی در نزد وی گشته و در ادامه این مقبولیت، منتهی به محبوبیت وی می گردد و در نتیجه، ایجاد این مقبولیت و محبوبیت باعث می شود تا کلام مربی به راحتی در جان و روح مربی نفوذ کند و مربی بی هیچ شک و شبهه ای پذیرای آن باشد.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت یکی از مهمترین مسئولیت های معلمان، درک و شناخت دانش آموزان و پی بردن به نیازهایشان و تلاش در جهت ایجاد محیط مناسب برای فراگیران است. چنین محیطی باید به نحوی سازماندهی شود که دانش آموزان بتوانند مناسب ترین واکنش ها را در برابر آن ایجاد نمایند، به عبارت دیگر با کمک و راهنمایی های معلم محیط یادگیری باید برانگیزاننده باشد. اگر یادگیرنده روش جستجو و دستیابی به اطلاعات صحیح را بیاموزد، در آینده به طور مستقل در پی حل مسئله خواهد بود و تغییر رفتار پایدار، تصمیم گیری صحیح و انگیزه پیشرفت در او ایجاد می گردد. بنابراین معلمان در پیشرفت تحصیلی و موفقیت دانش آموزان، نقشی کلیدی و بسیار مهم دارند. از آن جایی که آموزش ارزش ها نقش اساسی در حیات و سرنوشت افراد بشر دارد؛ لذا سپردن وظیفه ی آموزش ارزش ها برای هر کسی جایز نمی باشد و شخصی که این مسئولیت را بر عهده می گیرد بایستی از جمیع جهات - خود - مجهز به ارزش های والای انسانی باشد. این شخص بایستی از چنان ویژگی هایی برخوردار باشد تا لیاقت عهده دار شدن چنین وظیفه ی خطیری را دارا باشد. در قداست منزلت مربی و معلم همین بس که هر جا ارزش و فضیلتی موج می زند، قطعاً ریشه در کلام و بیان مربی یا معلم دلسوز دارد و چه بسیارند بزرگان و دانشمندان متدینی که مسیر نورانی و معنوی علم را با هدایت و روشنگری مربی و معلم آگاه و خردمند پیموده و به قله های رفیع علم و معنویت نائل آمده اند. این نکته بایستی مد نظر مسئولان تربیتی به ویژه مربیان، معلمان و اساتید قرار گیرد که بی توجهی به ویژگی های مربی منجر به تنظیم و اجرای برنامه های تحمیلی گشته و آسیب های جدی به متربیان وارد می کند و عملاً مسیر آموزش را منحرف یا نابود می کند. در جهت ارائه یک آموزش مناسب و کارآمد آموزش گیرنده ها یا متربیان علیرغم برخورداری از احتیاجات، علائق و توانایی های متفاوت بایستی در تلاش باشد تا به ویژگی های همچون آمادگی های مختلف دانش آموز متصف شود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد.....

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، علی. (۱۳۷۷). برنامه ریزی درسی (راهنمای نوین). تهران: فکر نو.
- احمدی، احمد. (۱۳۶۴). اصول و روش های تربیت در اسلام. اصفهان: واحد فوق برنامه
- احمدی، احمد. (۱۳۸۲). روانشناسی نوجوانان و جوانان شامل ویژگی های رفتاری،
- اسماعیلی یزدی، علی. (۱۴۰۰). فرهنگ اخلاق. چاپ چهارم. قم: مسجد مقدس جمکران.
- بوستانی، اصغر. (۱۳۸۰). تبیین دیدگاه ارزش شناسی علامه طباطبایی (ره) و دلالت های آن بر تربیت اخلاقی (اهداف و محتوا). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۶). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. جلد دوم. تهران: سمت.
- بهشتی، محمد. (۱۳۹۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. جلد پنجم. چاپ ششم. تهران: سمت.
- پاندر، کاترین. (۱۳۷۹). چشم دل بگشا. ترجمه گیتی خوشدل. تهران: پیکان.
- جوادی یگانه، عبدالهیان، حمید. (۱۳۸۶). دین در رسانه. تهران: طرح آینده.
- جویس، بروس؛ کالهن، امیلی؛ پکینز، دیویدا. (۱۳۸۵). الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس. ترجمه محمود مهر محمدی، لطفعلی عابدی. تهران: سمت.
- حبله وردی، محمدعلی. (۱۳۸۳). مثل آباد. تهران: اهل قلم.
- حجتی، محمد باقر (۱۳۶۶)، الف. اسلام و تعلیم و تربیت. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حجتی، محمد باقر (۱۳۶۶)، ب. اسلام و تعلیم و تربیت. چاپ ششم. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حجتی، محمد باقر. (۱۳۶۴). آداب تعلیم و تعلم در اسلام. چاپ دوازدهم. بی جا: دفتر

نشر

- حسینی تهرانی، اصغر. (۱۳۷۹). اخلاق اسلامی از دیدگاه قرآن. مشهد: موسسه صاحب الزمان (عج).
- حسین زاده، علی. (۱۳۷۶). بررسی شیوه های دعوت انبیاء اولی العزم در قرآن. پایان نامه کارشناسی ارشد. موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
- داوودی، محمد. (۱۳۹۹). نقش معلم در تربیت دینی. چاپ چهارم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد. (۱۳۸۹). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) تربیت اخلاقی. جلد ۳. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- درویل، - (۱۳۷۵). کاربرد روان شناسی در تدریس (روانشناسی پرورشی و یادگیری). ترجمه محمد پارسا. تهران: بعثت.
- رشید پور، مجید. (۱۳۷۰). چگونه باید بود؟. چاپ سوم. تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- قطب، محمد. (۱۳۷۵). روش تربیتی اسلام. ترجمه سید محمد مهدی جعفری. چاپ پنجم. شیراز: دانشگاه شیراز.
- قطب، محمد. (۱۳۸۹). روش تربیتی اسلام و کاربرد آن. ترجمه: محمود ابراهیمی. سندج: آراس.
- کارتلج، میلبرن، جی اف. (۱۳۶۹). آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان. ترجمه نقیب زاده، عبدالحسین. (۱۳۹۵). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: طهوری.
- هیئت نشر معارف اسلامی (۱۳۴۴). گفتار فلسفی (جوان از نظر عقل و احساسات). تهران: بی جا
- یاسپرس، کارل. (۱۳۵۷). افلاطون. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: خوارزمی.

(ب) منابع انگلیسی

- Baily, Richard. (۲۰۱۸). *Teaching values and citizenship across the curriculum*. London: Routledge falmer
- Brugman, Daniel. (۲۰۱۶). *The Teaching And Measurement Of Moral Judgment*
- Development. *Journal Of Moral Education*. Vol, 32. No , 2.
- Carr , David. (۲۰۲۰). *Moral Values and The Arts In Environmental*

- Education : Towards An Ethics Of Aesthetic Appreciation. USA. Journal of Philosophy of Education ,VOL 38.No.2.*
- Dix, G.H. (۲۰۱۲). *Child study – with special application to the teaching of religion.* London: Longmans, Green and co
- Gaur ,RR. Sangal , R. Bag aria ,GP.(2010).*Introduction To Value Education.*New Delhi: Excel books.
- Haydon, Graham. (۲۰۱۴). *values education: sustaining the ethical environment.*London :university of London ,UK.*Journal Of Moral Education ,vol.33 ,No.2*
- Jones, Marion. (2003). *Recaniling personal and professional values and beliefs, with the reality of teaching.* United kingdom,3
- Knowles, Richard Tand Mclean, Georg F. (1992). *Psychological foundations of Moral education and charaeter development. Second edu.* U.S.A.
- W. Musschenga , Albert. (2001).*Education For Moral Integrit.*Oxford.*Journal Of Education.*Vol,35.No,2.